

سخنان حلیم پیکار در مراسم خاکسپاری زنده یاد فاروق حقین:

در بافته زمان و مکان درخشش ستاره ها نا چیز است و سپری، ولی در تلالوی اشک و تبسم ابدیتی است:
ابدیت شناخت

ابدیت آفرینش

چند روز پیش بود که پیکر پاک مبارز شرافتمند اسحاق جبران را به خاک سپردیم و اینک بر گور همسنگر و همزنجیر او، زنده یاد فاروق حقین سوگوارانه ایستاده ایم. برای من خیلی دشوار است که شرح حال کنم و داغ های سینه ام را به شما بنمایانم. دردناکترین حادثه مرگ رفیق راه است. وقتی ستاره ای از آسمان روشنفکری کشور ما خاموش می شود، مکانی در زمین تاریک می ماند. اما چه می توان کرد. پایان همه زندگی ها روزی مرگ است، در حالی که نه همه زندگی ها ارزش مساوی دارند و نه همه مرگ ها با هم برابر اند. آنهایی که در کشتزار تاریخ دانه افشاندند، اگر چه از لحاظ فزیکری مرده باشند، اندیشه و راه شان نخواهد مرد. آرمان مبارزان آزادی، عدالت و برابری در ذهن و عمل ملیون ها انسان زنده می ماند و از نسلی به نسلی انتقال می یابد.

فاروق حقین در یک خانواده تحصیل کرده در شهر کابل متولد شد. درس مکتب را تمام کرد و جهت تحصیلات عالی راهی کشور انگلستان شد. پس از پایان دوره تحصیل، به وطن باز گشت و در اداره هوایی ملکی به کار آغاز کرد.

فاروق حقین در جوانی با سازمان جوانان مترقی (س. ج. م) تعهد بست و تا پایان عمر این سازمان، به مشی آن وفادار باقی ماند. در متنگ ها و تظاهرات جریان شعله جاوید در کنار نام آورانی چون عبدالاله رستاخیز، حیدرعلی لهیب، سیدال سخندان، داکتر شاکر ابوی و دیگر کادر ها و نطقان شعله یی می ایستاد و به سخنرانی می پرداخت. نطق و بیان او ساده، علمی، زنده و دلنشین بود و شنونده را مسحور می کرد. به زودی نام حقین سر زبان ها افتاد و به صفت یکی از چهره های مطرح در مبارزه بخاطر حق و عدالت به شهرت رسید. دولت وقت، بار بار او را به زندان انداخت که مگر از اندیشه و راهش بگذرد، اما چنین نشد و حقین جوان آبدیده تر و استوار تر از گذشته به مبارزه اش ادامه داد. فاروق حقین، نسیم سیار و دیگر شعله یی ها، اداره هوایی ملکی را به سنگر قوی مبارزه بر ضد استبداد و ارتجاع مبدل کرده بودند.

کودتای ثور 1357 به پیروزی رسید. حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبری این کودتا را بر عهده داشت. کودتای ننگینی که باعث به تباهی کشاندن کشور ما شد. این کودتا با کشتار دگر اندیشان آغاز یافت و متقابلاً با مقاومت مردم رو برو گردید. یکی از اقدامات تاریخی این دوران، تأسیس سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به رهبری شخصیت شهیر و انقلابی سترگ عبدالمجید کلکانی و یاران سرفراز او بود. فاروق حقین با این سازمان اعلام همکاری کرد. چندی بعد، به زندان افتاد. موقف سرسختانه حقین در مقابل دار و دسته خلق و پرچم در متنگ ها و تظاهرات خیابانی باعث شد که او را با بیرحمی تمام شکنجه کنند. شکنجه ها سلامتی جسمی او را صدمه زد اما روحیه او همچنان مقاوم باقی ماند. زندان را با استواری سپری کرد و از پشت میله ها بیرون آمد. پس از رهایی از زندان از عضویت تشکیلات ساما

بدور ماند. عمدتاً تلاش های او در راستای تشکیل یک نهاد سیاسی متمرکز شده بود. اینکه این تلاش ها به کجا رسید، بحثی است جداگانه که عوامل آن را در درون خود و بیرون از خود باید جستجو کنیم.

جنگ های خونین قدرت، حکمرانی تاریک اندیشان قرون وسطایی، حقبین و خانواده اش را مجبور به ترک افغانستان نمود. سال ها در دوزخ پیشاور پاکستان نفس کشید و فقر و بیچارگی و بیماری را تحمل کرد. آنچه مسلم است، این است که حقبین هیچگاهی از دایره مبارزه سیاسی بدور نماند. از بد حادثه، پای او به کانادا رسید. چند سالی در کنار سایر دوستان ما در راه تحقق داعیه آزادی و دموکراسی مبارزه کرد و در سالهای پسین زندگی به نسبت بیماری نتوانست به محافل سیاسی و فرهنگی حضور بیابد. با دریغ که روز تا روز مریضی او شدت کسب کرد تا آنکه مرگ به سراغش آمد و این عزیز را از ما گرفت.

زنده یاد حقبین مبارزی بود آگاه، صاحب فهم و درایت سیاسی. متون سیاسی و ادبی را با زیبایی و درستی می نوشت و گاهی شعر هم می سرود. اصول دیالوگ و بحث های سیاسی را بلد بود و سخن بدون حجت نمی گفت. با رفقا و دوستانش صمیمی بود و با ارتجاع سیه کار آشتی ناپذیر. افتخار دیگر این است که او توانسته بود همه اعضای خانواده اش را سیاسی بسازد و به راه خود بکشاند. من به نمایندگی از یاران سیاسی او به خانواده زنده یاد حقبین تسلیت می گویم. امید وارم این غم آخر شان باشد.

یاد حقبین این مبارز صادق و شرافتمند گرامی باد!